



وفیات معاصران



در سپیده دم سومین روز فروردین سال ۲۰۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ شمسی هجری) بهنگامی که بانک اللہ اکبر موذن ، مردم را بمحراب عبادت میخواند، دکتر ناظرزاده کرمانی ، شاعر ، نویسنده ، استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران بر اثر سکته قلبی نا بهنگام در گذشت .

نامش احمد و پدرش محمد بود و در ۱۲۹۲ شمسی یعنی ۶۳ سال پیش در کرمان چشم دنیا گشود و در همان شهر دورهٔ تحصیل ابتدائی را در دبستان سعادت و سه سال اول متوسطه را در دبیرستان بهاوی کرمان به پیمود و به تهران آمد و دارالفنون

را تمام کرد و با آنکه دورهٔ حقوق - سیاسی را گذرانید در رشتهٔ ادبیات فارسی عنوان (دکتر) گرفت و رسالهٔ اجتهادیهٔ خود را در باب (عماد فقیه) بدآوری استادانی چون شادروان بدیع الزمان فروزانفر ، میرزا عبدالعظیم خان گرکانی و دکتر صورتگر استادان دانشکدهٔ ادبیات با درجهٔ بسیار خوب تصویب رساند .

از روزگار تحصیل نوشتن مقاله‌های مفید در روزنامه‌های پایتخت و سرودن شعرهای نغز و در نتیجه بمرور از کارگردانان مجلهٔ ایران امروز و نویسندهٔ روزنامهٔ شهر آشوب و سردبیر مجلهٔ سلامت فکر و عضو سخنگوی انجمن قلم و نمایندهٔ ایران در (مؤتمر اسلامی) بود .

ناظرزاده بذله‌گوی و خوش‌بیان و در لهجت کرمانی شیرین زبان بود و شاگردان در محضر تدریس خسته و افسرده نمیشدند . در اعتقاد بمبانی دینی و عمل بفرائض مذهبی و احترام بشعائر مذهبی پای‌بند بود . دوبار زیارت خانهٔ خدا مشرف گردید . دیوان شعری هم در منقبت و مدحت پیامبر اکرم (ص) و ائمهٔ اطهار دارد که هنوز بچاپ نرسیده است .

در چند سال اخیر به بیماری قند دچار بود و در نتیجه بعارضهٔ چشمی گرفتار آمد و باروپا رفت و پس از عمل جراحی چشم متاسفانه بینائی خود را از دست داد و از آن پس بیشتر اوقات تنها در حال فکر و ذکر و نماز و دعا بود تا آنجا که افراط در رکود و سجود را سبب خونریزی مغزی او دانسته‌اند .

آثاری که از او چاپ شده عبارتست از آواز های جوانی - آفات شرق -

شامشوم - رقص باخنجر - بر فراز سیحون - بغاظر لیلی و دختر شامگاه - کتاب خون و خاکستر او هنوز چای نشده است .

دکتر ناظرزاده پیش از آنکه بمقام استادی دانشکده الهیات دانشگاه تهران انتخاب شود مدتی پیشکار دارایی و شهردار کرمان و کفیل استانداری تهران و دو دوره نماینده مردم سیرجان در مجلس شورای ملی بود . او را جوانترین شهرداران لقب داده بودند و در تأسیس کارخانه قندکرمان مساعی جمیله او بی اثر نبود .

در هفت سال پیش ، چند سالی در دانشگاه معروف سوربن بتحصول پرداخت و رساله‌ای ممتنع و ممتاز در مذهب جعفری ، زیر نظر پرفسور هانزی درش تهیه کرد که نشان دهنده تسلط او در زبان فرانسه است .

همسر ناظرزاده عمر خود را در آموزش و پرورش گذرانده و سی سال دبیر دبیرستانهای عطار و قاآنی و رئیس دبیرستان فرح بود . از این پدر و مادر شش فرزند خلف ۳ پسر و ۳ دختر بجای مانده که دوره‌های عالی تحصیلات را گذرانده‌اند . دکتر فرهاد ناظرزاده در رشته رادیو تلویزیون در آمریکا بدریافت درجه P. H. T موفق شده و وارث صفات و کمالات پسندیده پدر خود است .

استاد ناظرزاده تا واپسین روزهای عمر با آنکه از بینایی رنج میبرد و تقریباً چیزی نمیدید در دانشکده الهیات و در جمع دانشجویان بتدریس و سخنوری میپرداخت . اشعار وی سخته و پخته و شیرین و نمکین اغلب بچاپ رسیده است و طالب فراوان دارد .

قطعه شیوایی که با مطلع زیر در مرگ گاندی سرود جایزه دولت هند را نصیب او کرد :

هر که از مرگ غم‌انگیز تو گردید آگام گفت لا حول ولا قوة الا بالله

راه زندگی

زندگی راهی است کوتاه شاد از آن باید گذشت
شوربخت است آنکه از این ره هراسان بگذرد .
سخت اگر پنداریش سخت است بی شک زندگی
ور که آسان گیریش البته آسان بگذرد .
مگذران هر روز را یکسان که خوش گفت آنکه گفت
وای بر آن کس دوروز از عمر یکسان بگذرد .

گره گشایی

گره گشایی اگر باری از تو ساخته نیست
بهوش باش که در کار کس گره نزن
بدان زبان که توانی دلی بدست آور
چگونه در گذرند از تو گر دلی شکنی ؟

قفل بوسه

سخنی روز گفته‌ام با وی
راه اندیشه شبش زده‌ام
تا نگوید بهیچ کس این راز
قفلی از بوسه بر لبش زده‌ام

سودای عشق

سودای عشق عاقل و دیوانه سوخته
در این شراره محرم و بیگانه سوخته
رندی کشید آهی و از برق آه او
یک نیمه بیش دوش ز میخانه سوخته
ساقی زهوش رفته و پیمانه ریخته
خاموش شمع گشته و پروانه سوخته
خال تو رهن دل ما شد بروی تو
تأثیر آه ماست که این دانه سوخته
دانی که باده بهر چه سوزد گلوی تو
برحال عاشقان دل پیمانه سوخته
در بوستان زندگی از آه آتشین
من آن پرسنده‌ام که مرا لانه سوخته
افسانه دل است چو این قصه لاجرم
دلها بسوزناکی افسانه سوخته

دروود فراوان بروان پر فتوح او باد که قسمتی از عمر خود را در خدمت علم و شعر و ادب و ترویج و تبلیغ حقائق دینی و مذهبی و قسمتی دیگر را بدستگیری از یا افتادگان و گره‌گشائی از کار فروماندگان گذرانید.